

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

فرستنده: یک هوادار

۱۱/۰۱/۰۹

دین از دید «تروتسکی»

مسئله مذهب اهمیت بسیار بزرگی دارد و دقیقاً بیشترین آمیختگی را با کار فرهنگی و ساختار اجتماعی داراست. مارکس در جوانی خود گفت: "نقد مذهب اساس هر نقد دیگر است". به این معنی که مذهب نوعی شناخت خیالی از جهان است. این خیال دو منشأ دارد: ضعف انسان در مقابل طبیعت و آشفتگی روابط اجتماعی، ترس از طبیعت یا بی توجهی به آن، ناتوانی در تحلیل روابط اجتماعی یا ناپدید شدن آنها، انسان را بر آن داشت تا با آفریدن تصورات خیالی سعی کند نیازهایش را در جامعه بر آورده و آنها را وقف این حقیقت موهوم کند و در پیشگاه آفریده های خویش زانو بزند. ریشه این آفرینش در نیاز عملی انسان برای یافتن سمت و سوی خویش – که به نوبه خود از شرایط تنازع بقا ناشی می شود – نهفته است.

مذهب، سازشی هدفدار با محیط پیرامون جهت مواجهه موفقیت آمیز با تنازع بقاست. در این سازش قوانین سودمند و مناسب وجود دارند ولی تماماً با افسانه ها، اوهام، خیالات و دانش غیر واقعی آمیخته اند. به همان شکل که توسعه فرهنگ انباشت و ذخیره دانش و مهارت است، نقد مذهب نیز اساس نقد دیگر است. جهت هموار کردن راه برای شناخت صحیح و حقیقی لازم است که شناخت ساختگی و خیالی را از میان برد و مسئله را به طور کامل در نظر گرفت. از لحاظ تاریخی، نه تنها در موارد فردی که در تکامل کل طبقات، شناخت حقیقی در اشکال و تناسبات مختلف با تعصبات مذهبی آمیخته است. مبارزه علیه مذهب و تمام اشکال افسانه پردازی و موهومات معمولاً زمانی موفقیت آمیز است که ایدئولوژی مذهبی با احتیاجات یک طبقه مشخص در یک محیط اجتماعی جدید در تناقض باشد. به عبارت دیگر، گردآوری شناخت و نیاز برای شناخت در چارچوب حقایق غیر واقعی مذهب قرار نگیرد، یک ضربه تیغ انتقاد کافی است تا پوسته مذهب را فرو اندازد.

زمانی که تبلیغات مذهبی اثر کمتری بر طبقات فعال جمعیت روستاها و شهرها گذاشته، چه باید کرد؟

(در این حالت) باید دایره تجربه اجتماعی و شناخت حقیقی را بزرگ نمود. راههایی که به این نتیجه می رسند متفاوت اند. سالن های غذا خوری عمومی و شیرخوارگاهها ممکن است به قوه درک زن خانه دار یک انگیزه

انقلابی بدهند و مراحل گسستن از مذهب را به غایت در او تسریع کنند. روش سمپاشی هوایی برای نابود کردن آفات نباتی ممکن است چنین نقشی را در مورد دهقان ایفاء کند. همین که کارگر مرد و زن در انجمن ها شرکت می کنند - انجمن هائی که آنها را به بیرون از قفس تنگ و کوچک طبقه خانواده با آن شکل و تصویر خاص خودش راهنمائی می کنند - یکی از راهها برای رهائی از تعصبات مذهبی را باز می کنند و غیره غیره. این انجمن ها به طور حتم می توانند نیروی مقاومت علیه تعصبات مذهبی را بسنجند و راههای غیرمستقیم برای توسعه تجربه و شناخت را پیدا کنند. پس به جای حملات مستقیم بوسیله تبلیغات ضد مذهبی، ما از محاصره ها، سنگربندی ها و مانورهای غیر مستقیم استفاده می کنیم. در کل، ما هم اکنون به چنین دوره ای وارد شده ایم، اما این بدان معنا نیست که در آینده هیچ حمله ای نخواهیم کرد، فقط لازم است که برای آن آماده شد.

آیا حمله ما بر مذهب درست است یا نادرست؟ درست است. آیا نتایجی به بار آورده است؟

چه کسانی را به سمت ما سوق داده است؟ آنانی را که برای رها کردن کامل خویش از تعصبات مذهبی با به کارگیری تجارب گذشته آماده گشته اند. اضافه بر آنان، کسانی را که حتی تجربه بزرگ انقلابی اکتر از مذهب نرسانید. در این روند، روشهای قراردادی انتقاد، هجو، کاریکاتور ضد مذهبی و مانند آن، کارائی بسیار کمی دارند؛ و اگر فشار قویتر شود ممکن است نتیجه وارونه به دست آید.

تنها با بستن کلیسا ها، آنچنانکه در بعضی نقاط انجام شده، و یا با افراط و تفریط اداری، نه تنها قادر نخواهیم بود به هیچ موفقیت قطعی دست یابیم، که بالعکس راه را برای قویتر بازگشتن مذهب هموار می کنیم. در مراحل نابودی مذهب، دوران های متفاوتی از افت و خیزها وجود دارند که شرایط کلی فرهنگ آنها را تعیین می کنند.

از بین رفتن کل مذهب فقط زمانی انجام پذیر است که یک ساختار سوسیالیستی کاملاً پیشرفته وجود داشته باشد، یعنی تکنیکی که انسان را از هرگونه وابستگی خفت بار به طبیعت آزاد می سازد. این نابودی، تحت روابط اجتماعی که عاری از هرگونه نمایش مذهبی و کاملاً سالم هستند و نبوغ بشر را سرکوب نمی کنند می توانند به انجام برسند. **مذهب، بی نظمی طبیعت و بی نظمی روابط اجتماعی را به زبان تصویرهای خیالی ترجمه می کند.** فقط نابودی بی نظمی های زمینی می تواند به واکنش های مذهبی اش برای همیشه پایان دهد. یک زندگی اجتماعی برنامه دار، آگاهانه و معقول در تمامی سطوحش، هرگونه نمایش مذهبی و شیطان صفتی را برای اعصار منسوخ خواهد ساخت.

قسمتهائی از مقاله مذهب و مارکسیزم